

پارسا پیروزفر / سفر سبز / محمدحسین لطیفی

سال ۱۳۸۱



پایین تر بود. اما بازی «پارسا پیروزفر» در نقش دنیل برای همیشه در یادها ماندگار شد. قسمت قابل توجهی از وزن سریال «صافر سبز» بر دوش پارسا پیروزفر افتاد. او به عنوان فردی که در فرهنگ آلمانی رشد کرده و تازه وارد ایران شده و هیچ شناختی از فرهنگ مردم ایران نداشت، عملکرد قابل قبولی از خود به نمایش گذاشت. در طول سریال توانستیم او را به طور کامل در نقشی که برایش در نظر گرفته شده بود بیذیریم و اجازه دهیم خودش را تحت تاثیر احساساتش قرار دهد تا مادر و پدری را که هرگز نمی شناخت پیدا کند. محمدحسین لطیفی در آن زمان تصمیم هوشمندانه ای گرفت و پیروزفر سال ها پس از «در پناه تو» و «در قلب من» توانست با نقش جدی تری و بازی پخته تری به این صحنه بازگردد. نکته مهم دیگر این است که پیروزفر به دلیل شباهت زیادی به چهره آلمانی ها و همچنین به دلیل اینکه می دانست چگونه در این نقش خوب به نظر برسد به موفقیت های بزرگی دست یافت.

یک سال بعد از «حیدر خوش مرام» در شب دهم، محرم سال ۱۳۸۱ مجموعه تلویزیونی «سفر سبز» به کارگردانی «محمدحسین لطیفی» و نویسندگی «حسین پاکدل» روی آنتن شبکه ۳ رفت. برگ برنده سریال، بازیگران آن و داستان بدیعش بود. سریال، داستان «دنیل وسپرگ» جوانی خوش پوش با ظاهری آراسته است که در ایران متولد شده، ولی از همان کودکی به آلمان منتقل و تحت سرپرستی خانواده‌های آلمانی قرار می گیرد. او بعد از دیدن خوابی مشکوک تصمیم می گیرد به ایران بیاید و خانواده واقعی اش را پیدا کند. در طول مسیر پیدا کردن مادرش با ماجراهای فرعی زیادی روبه‌رو می شود تا اینکه نهایتاً گذشته دنیل کشف می شود و معلوم می شود او فرزند زن و شوهری دانشجو و مبارز در زمان انقلاب بوده که توسط کسی به ساواک معرفی می شود و فرزندشان (که همان دنیل است) هم به آلمانی ها فروخته می شود. این سریال هم مخاطبان زیادی داشت ولی درجه کیفی اش از شب دهم بسیار

امین تارخ، فریبا کوثری / معصومیت از دست رفته / سید داوود میرباقری

سال ۱۳۸۲



را در عرصه سینما و تلویزیون کسب کند. بی شک نقش های شیخ حسن چوری در سرداران، بوعلی سینا، طاهر در دلشدگان و نقش های او در فیلم های سرب، سارا، و باقی سریال هایش مانند «معصومیت از دست رفته» و «سفر سبز» در ذهن مان مانده است. او همان قدر که بر تکنیک کارش تسلط دارد، بازیگری تجربی، حسی و غریزی است. از آنجا که امین تارخ، تئوری و فن بازی را می داند می کوشد از تکنیک و حس به یک میزان در ایفای نقش هایش استفاده کند. او با تلفیق دو سبک بازیگری «فاصله گذاری برشت» و «روش استانیسلاوسکی» به بهترین راه در رسیدن به نقش و خروج از آن دست یافته است. تارخ در شیوه بازیگری بر این نکته تاکید می کند که بازیگر هیچگاه نقش آفرینی و خلق شخصیت نمی کند. سریال «در بخش چهارم جراحی» به کارگردانی مسعود فروتن نیز اولین تجربه بازی کوثری در عرصه سریال های تلویزیونی بود. کوثری پس از آن در مجموعه های تلویزیونی و فیلم های سینمایی زیادی به ایفای نقش پرداخت، اما حضور او در سریال معصومیت از دست رفته و بازی در نقش «ماریا نصرانی» باعث درخشش و سکوی پرتابش در عرصه بازیگری شد.

«معصومیت از دست رفته» به کارگردانی «داوود میرباقری» داستانی انتزاعی داشت که مربوط به عاشورای سال ۶۱ هجری قمری می شد. داستان درباره شویب، خزانه دار کوفه است. همسرش ماریا نصرانی به خاطر عشق به او، مسلمان می شود و عاشق حسین (ع) و با شویب ازدواج می کند. اما شویب به خاطر عشق به دختری یهودی به نام حمیرا از اسلام فرار می کند و در آخر در آتش از دنیا می رود. در واقع کشمکش بین عقل و عشق و اعتقادات، محور داستانی می شود که ۲۰ سال بعد به جنون شویب می انجامد. میرباقری بیشتر هم ثابت کرده بود می داند چطور سریال بسازد که مخاطب راضی کند. این سریال هم بسیار مورد توجه قرار گرفت. اما از همه گذشته بازی های خوب و ماندگار بازیگران اصلی کار، آنها را برای همیشه در تاریخ تلویزیون ماندگار کرد. از بازی خوب «امین تارخ» در نقش شویب گرفته تا «فریبا کوثری» در نقش ماریا و «سارا خویینی ها» در نقش حمیرا. تارخ آنقدر آن نقش را واقعی بازی کرده بود که هر کس نمی دانست فکر می کرد، تارخ همان شویب است!

امین تارخ توانسته به عنوان بازیگر و مدرس در طول سه دهه گذشته جایگاه مناسب و ارزشمندی